



The analysis the view of right to the urban life and facing Coronavirus (COVID- 19)

Zohreh Fanni

Associate Professor, Human geography department, Shahid Beheshti University (SBU), Tehran, Iran. z-fanni@sbu.ac.ir

Abstract

Background and objective: With the rise of urbanization and economic-trade, political, social, and cultural exchanges between cities around the world, the prevalence of epidemics has increased. Challenges caused by the most important factor that can affect the level of independence, authority, and sovereignty of cities and by becoming critical, have special effects on the strength and tolerance or resilience of cities (mainly their vulnerable people), can be from the perspective of the right approach to the city. The present study aims to analyze the relationship between the view of urban right to life for all citizens and the consequences of the crisis of Quaid 19 in cities. The main and fundamental question of this review is: What is the situation and situation of the people living in the cities in the face of the Corona crisis, with an emphasis on the theory and approach of the right to urban life? What strategies are more essential?

Method: The research method of this study is fundamental and based on an "urban theory" which, while reviewing the sources, has presented strategies and strategies to reduce the negative effects of the phenomenon under study.

Findings: This study examines the issue of the right to life for vulnerable urban people during the Corona Disease Period, based on the approach and concept of Henri Lefebvre's "Right to the City" approach. A collective right that emphasizes democratic governance, national unity, and the interdependence of all recognized international civil, political, economic, social, cultural, and environmental rights. In addition to all the socio-economic implications of the new virus, Corona also clarified the logic of global politics and ethics, in the sense that a purely material reality and knowledge of moral and political systems are strongly interdependent, causing people to protect the rights of individuals also seeks the health of relatives and other residents of the city. In most countries, civil and urban organizations and institutions, various consultations and actions related to maintaining the level of empowerment and socio-economic power of the people of the cities have begun and achieved effective results.

Conclusion: This study showed that the effects of this crisis on the living conditions and quality of urban people, in general, were very similar, but in particular, there are many differences between urban living conditions in the world, which depends on the conditions and level of social resilience. Economic and managerial cities. Emphasizing the view and importance of urban life rights, this study also considers strengthening the solidarity and local-national solidarity as the only fundamental solution to the disease and the resulting crisis. A path that leads to the health of the majority and not the economic benefit of a minority of people in society.

Keywords: Coronavirus, urban life, Right, socio-economic conditions, local community, Iran

► **Citation (APA 6th ed.):** Fanni Z. (2020, Autumn). The analysis the view of right to the urban life and facing Coronavirus (COVID- 19). *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 10(3),211-218.

تحلیل دیدگاه حق زندگی شهری و مواجهه با بحران ویروس کووید ۱۹

زهره فنی

دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران z-fanni@sbu.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: با افزایش ضریب شهرنشینی و تبادلات اقتصادی-تجاری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین شهرهای جهان، زمینه شیوع اپیدمی‌ها بیشتر شده است. چالش‌های ناشی از مهمترین عاملی که می‌تواند سطح استقلال، اختیارات و حاکمیت شهرها را متاثر سازد و با تبدیل شدن به بحرانی، آثار ویژه‌ای بر قدرت و سطح تحمل یا تاب‌آوری شهرها (عمدتاً مردم آسیب‌پذیر آنها) داشته باشد، می‌تواند از منظر رویکرد و مفهوم حق به شهر بررسی شود. هدف مطالعه حاضر، تحلیل ارتباط میان دیدگاه حق زندگی شهری برای همه شهروندان و پیامدهای بحران کووید ۱۹ در شهرهاست. پرسش اصلی و مبنایی این بررسی مروری این است که: با تاکید بر نظریه و رویکرد حق برای زندگی شهری، وضعیت و شرایط مردم ساکن شهرها در مواجهه با بحران کرونا، چگونه است؟ چه راهکارهایی ضرورت بیشتری دارند؟

روش: روش پژوهش، مروری-تحلیلی و مبتنی بر یک «نظریه شهری» است که ضمن بررسی دیدگاه‌ها و منابع مرتبط، به ارائه راهبردها و راهکارهایی برای کاهش اثرات منفی پدیده مورد مطالعه پرداخته است.

یافته‌ها: این مطالعه، موضوع حق به زندگی برای مردم آسیب‌پذیر شهری در دوره مبارزه با بیماری کرونا را با پایه رویکرد و مفهوم «حق برای شهر» هانری لوفور، بررسی کرده است. یک حق جمعی که بر مدیریت دموکراتیک، یکپارچگی ملی و وابستگی متقابل همه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شناخته شده بین المللی تاکید دارد. کرونا ویروس جدید، علاوه بر همه پیامدهای اجتماعی-اقتصادی، منطق حاکم بر سیاست و اخلاق جهانی را هم روشن‌تر کرد به این معنا که واقعیتی کاملاً مادی و دانشی با سیستم‌های اخلاقی و سیاسی، وابستگی متقابل شدیدی دارد که باعث شده تا افراد علاوه بر حفظ حقوق فردی، به دنبال سلامت بستگان و دیگر ساکنان شهر هم باشند. در اغلب کشورها، سازمان‌ها و نهادهای مدنی و شهری، ریزنی‌ها و اقدامات گوناگونی مرتبط با حفظ سطحی از توانمندی و قدرت اجتماعی-اقتصادی مردم شهرها آغاز و به نتایج موثری دست یافته‌اند.

نتیجه‌گیری: این بررسی نشان داد که تأثیرات این بحران بر شرایط و کیفیت زیست مردم شهرها بطور کلی شباهت زیادی باهم داشته‌اند ولی بطورخاص، تفاوت‌های زیادی بین شرایط زندگی شهری در دنیا دیده می‌شود که بستگی زیادی به شرایط و سطح تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی و مدیریتی شهرها داشته است. همچنین این مطالعه با تاکید بر دیدگاه و اهمیت حقوق زندگی شهری، تنها راه‌حل اساسی مواجهه با این بیماری و بحران ناشی از آن را، تقویت همبستگی و انسجام محلی-ملی می‌داند؛ راهی که به سلامتی اکثریت و نه سود اقتصادی اقلیتی از افراد جامعه می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: ویروس کرونا، حق زندگی شهری، شرایط اقتصادی-اجتماعی، جامعه محلی، ایران

◀ **استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم ۲۰۱۰):** فنی، زهره. (پاییز، ۱۳۹۹). تحلیل دیدگاه حق زندگی شهری و مواجهه با بحران ویروس کووید ۱۹. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، ۱۰ (۳)، ۲۱۱-۲۱۸.

مقدمه

هدف مطالعه حاضر، تحلیل ارتباط میان دیدگاه حق زندگی شهری برای همه شهروندان و پیامدهای بحران کووید ۱۹ در شهرهاست. پرسش اصلی و مبنایی این بررسی مروری این است که: با تاکید بر نظریه و رویکرد حق برای زندگی شهری، وضعیت و شرایط مردم ساکن شهرها در مواجهه با بحران کرونا، چگونه است؟ چه راهکارهایی ضرورت بیشتری دارند؟

این نوشتار علمی-مروری، به بررسی موضوع حق زندگی برای مردم آسیب پذیر شهری در دوره مبارزه با بیماری کرونا با تاکید بر رویکرد و مفهوم «حق برای شهر»^۱ هانری لوفور می پردازد.

روش

ماهیت این پژوهش کاربردی با روش مروری-کیفی و مبتنی بر نظریه است که ضمن مروری بر منابع و مطالعات، به ارائه راهبردها و راهکارهایی پرداخته است. از این رو، روش مطالعه کیفی و بیشتر بر صفات، حالات و آنچه مردم فکر، احساس و رفتار می کنند (فنی، ۱۳۹۷)، تاکید دارد و از این رو با معانی و محتوا سروکار دارد. به این روش، ساختارگرایی اجتماعی (مردم محور) هم اطلاق می شود. این پژوهش بجای تمرکز بر تحلیل سیاست ها، بر مساله یا موضوع، تاکید داشته، و سطح تحلیل واحد آن، کل شهر (مردم) است. بعبارت دیگر، روش پژوهش حاضر مبتنی بر تحلیل دیدگاهی بنیادی-نظری و نیز مطالعه گزارش ها و منابعی است که در مورد ساختار و شرایط زیستی و نحوه برخورد ساکنان شهرهای کشور و سایر شهرهای جهان با بحران و ویروس کرونا صورت گرفته است.

یافته ها

وضعیت حق به زندگی شهری در کشور:

برای ورود به بحث اصلی، لازم است ابتدا به استدلال هانری لوفور در تئوری «حق برای شهر»، پرداخت که مبتنی بر بازسازی عمیق روابط اجتماعی-اقتصادی نظام سرمایه داری و شهروندی لیبرال-دموکراتیک بوده است. دیوید هاروی در این زمینه نوشته است: ما در عصری زندگی می کنیم که حق مالکیت خصوصی و درجه انتفاع افراد از

در سال ۱۹۶۷ میلادی، به دنبال بروز تنش های اجتماعی در جامعه شهری پاریس، هانری لوفور^۱ رساله تاثیرگذارش درباره حق به شهر را نوشت^۲. وی در آن زمان، این حق را حق به زندگی شهری و نوعی درخواست همگانی برای ساختن شهری برپایه عدالت، معنادارتر، سرزنده تر و عاری از خودبیبگانگی می دانست. این نکته را نه بنا به رسم دانشگاهیان کشور در اقتباس های مکرر از نوشته های اندیشمندان می نویسم، بلکه از آن جهت اشاره شد که قصد دارم از این منظر و رویکرد به دنیای شهری کرونازده خودمان، نگاه تازه ای داشته باشم. زمانی این نوع نگاه به شهر، عمدتاً از سوی اکولوژیست های دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی و به دلیل نابرابری های گسترده اجتماعی-اقتصادی در فضاهای کالبدی شهرها پدید آمد ولی هنوز در سده ۲۱، شاهد گستره انواع نامالایمات و بی اعتنائی ها نسبت به اجزاء گوناگون زندگی در شهرهای خود هستیم که به ویژه به هنگام بروز بحران ها، بیشتر نمایان می شوند.

برپایه ی مطالعات نویسنده در مورد مقیاس فعالیت ها، کار کردها و حوزه اختیارات شهرها (فنی و همکار، ۱۳۹۴) در کشورهای گوناگون، نوع روابط میان پدیده های اقتصادی-اجتماعی به ویژه کارکردهای محلی، ملی و جهانی شهرها، ارتباط مستقیمی با سطح آگاهی، سیاست های فقرزدایی، توانمندسازی اجتماعات محلی و برنامه های توسعه پایدار^۳ دارند. شواهد نشان داده که با افزایش ضریب شهرنشینی و تبادلات اقتصادی-تجاری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین شهرهای جهان، زمینه شیوع اپیدمی ها بیشتر شده است (فنی، ۱۳۹۳). همزمان با پیشرفت تجاری شهرها و تقویت اقتصادهای محلی-جهانی، چالش های مهمی در عرصه های گوناگون اجتماعی (بهداشت، آموزش، حقوق مدنی، حقوق فردی و ...) برای شهروندان مطرح می شوند که با بروز یک اپیدمی جهانی، شدت بیشتری پیدا کرده است.

1. Henry Lefebvre

۲. در سال ۲۰۰۴ یونسکو و هیئات درباره مقوله حق به شهر right to the city منشور مشترکی صادر و پیشنهاد کردند که این حق به عنوان یکی از اجزاء بیابانه حقوق بشر و به عنوان یک حق اساسی در قانون اساسی کشورهایی که قائل به این حقوق هستند، وارد شود. آخرین کشوری که این حق را در قانون اساسی خود وارد کرده برزیل است که در سال ۲۰۰۱ حق به شهر را به عنوان حقوق جمعی پذیرفت.

3. Fanni, 2020

این دیالکتیک «نوسازی شهر»^۶ در فرآیند دوباره‌سازی خودمان، هسته اصلی تلاش برای رسیدن به حق به شهر است و این دو همان چیزی است که لوفور، «گریه کردن و تقاضا کردن» می‌نامد. گریه کردن برای ضروریات و تقاضا کردن چیزی بیش از آن. مارکوز خاطر نشان می‌کند این تقاضا چیزی نیست که متعلق به همه باشد. نه بانک دارها، نه زمین خوارها و نه هم‌دستان آنها. چرا که آنها حق خود از شهر را به شیوه‌ای که دلخواه‌شان بوده دنبال کرده‌اند. این حق بیش و پیش از همه، محروم شدگان، طرد شدگان، بیگانه شدگان و استثمارشدگان را دربر می‌گیرد و در جستجوی حقوق از دست رفته و گم شده آنهاست (مارکوز، ۲۰۱۲)^۷. ضروری است بدانیم این حق تنها محدود به افرادی نمی‌شود که به عنوان شهروندان قانونی شهر شناخته می‌شوند، بلکه دربرگیرنده تمام ساکنان یک شهر از جمله افراد طبقه کارگر، مردم فقیر، بی‌خانمان‌ها، زنان، رنگین پوست‌ها و مهاجران فراملی است. چرا که یکایک این افراد نه تنها حق ماندن در شهر و منتفع شدن از تمام خدمات متعلق به آن را دارند، بلکه حق آنهاست تا آینده توسعه شهری که در آن زندگی می‌کنند را به شیوه‌ای دموکراتیک تعیین کنند (لیپمن، ۲۰۱۳، فرنلدی، ۲۰۱۳، پارسل، ۲۰۰۲)^۸. لوفور بر این باور است که تمامی ساکنان می‌باید به عنوان شهروندان در تصمیم‌سازی‌های شهر شرکت نمایند. یعنی از واژه ساکن بودن که شمول گسترده‌تری از شهروندی دارد، استفاده می‌کند و معتقد است فردی که ساکن شهر است باید به مثابه یک شهروند رسمی دیده شود (تیلوکسین، ۲۰۱۴)^۹. در نهایت می‌توان گفت، حق به شهر یک حق جمعی برای تمام افرادی است که در شهر ساکن هستند. این حق نه تنها حق استفاده از آن چیزی است که در فضای شهری وجود دارد، بلکه همچنین شامل تعریف و ایجاد آن چیزی است که باید در شهر به منظور پاسخ به نیازهای انسانی جهت زندگی شایسته وجود داشته باشد (هاروی، ۲۰۰۸)^{۱۰}.

موفه‌های اساسی حق به شهر عبارت است از: مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری برای تضمین دسترسی شهروندان، هدایت متوازن و برابری طلبانه کاربری

آن، بر دیگر مفاهیم حق که می‌شود و می‌توان به آن فکر کرد، برتری یافته است (هاروی، ۲۰۰۸)^۱. در وهله اول، وقتی با پرسش چه حقوقی؟ روبه‌رو می‌شویم، پاسخ ساده انگاشته و گویی در رفع مشکلات و نیازهای مردم محروم شهر خلاصه می‌شود، اما این پاسخ کافی نیست (مارکوز، ۲۰۱۲)^۲. حق برای شهر حقی است گسترده. حقی که نه تنها شامل مشروعیت در بهره‌مندی از برخی امتیازات شهری و شهروندی درون سیستم حقوقی موجود، بلکه حقی است با رنگ و بوی سیاسی؛ ادعایی است که نه تنها برای تحقق یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق به دنبال تزریق عدالت در نظام حقوقی موجود است، بلکه یک حق اخلاقی بالاتر و متقاضی خلق نظامی بهتر است که در آن تمام مزایای بالقوه یک زندگی شایسته شهری می‌تواند به طور کامل تحقق یابد (مارکوز، ۲۰۱۲). حق به شهر حقی فراتر از دسترسی به خدمات بهداشتی، مسکن مناسب، شغل شایسته و فراتر از مشارکت در دموکراسی انتخاباتی شهر، بلکه این حق در واقع حق ما به تغییر شهر است تا از دل آن شهری بسازیم و برون آوریم که آرزوی زیستن در آن را در ذهن می‌پرورانیم. اما لازم به ذکر است ما در این فرآیند می‌باید خود و شیوه‌ای که قرار است در کنار یکدیگر زندگی کنیم را نیز مورد بازاندیشی قرار دهیم (لیپمن، ۲۰۱۳: ۵)^۳. دیوید هاروی خاطر نشان می‌کند حق برای شهر پس از این که اشتیاق و خواسته قلبی یکایک ماست، حقی است برای بازسازی خود به شیوه‌ای مقبول و موثر که منجر به خلق جامعه شهری متفاوتی شود، جامعه‌ای که حق برخورداری از آن یکی از ارزشمندترین حقوق انسانی ما محسوب می‌شود. وی یادآور می‌شود، ما به صورت فردی و جمعی از طریق فعالیت‌های روزانه و درگیر شدن در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شهر را می‌سازیم و در مقابل، شهر نیز ما را می‌سازد (هاروی، ۲۰۰۸: ۹۳)^۴. این همان مفهومی است که لوفور پیش‌تر آن را در قالب تولید فضای شهری و حق مدعی شدن بر این فضا ارائه کرده است. این مفهوم از فضا مرتبط با زندگی روزمره، روابط اجتماعی و مبارزه سیاسی است و از طریق زندگی روزمره و مناسبات سیاسی نیز تولید می‌شود (فرنلدی، ۲۰۱۳)^۵.

6. Remaking the city

7. Marcuse, 2012

8. Lipman, 2013 Friendly, 2013; Purcell, 2002

9. Teelucksingh, 2014

10. Harvey, 2003

1. Harvey, 2008

2. Marcuse, 2012

3. Lipman, 2013, 5

4. Harvey, 2008: 93

5. Friendly, 2013

متاثر سازد و آثار ویژه‌ای بر قدرت و سطح تحمل یا تاب‌آوری شهرها (عمدتاً مردم آسیب‌پذیر آنها) داشته باشد، از منظر رویکرد و مفهوم حق به شهر بررسی می‌شود. یک حق جمعی که بر مدیریت دموکراتیک، یکپارچگی ارضی و وابستگی متقابل همه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شناخته شده بین المللی تأکید دارد. پرسش اصلی و مبنای این بررسی مروری این است که: با تأکید بر رویکرد حق برای زندگی شهری، وضعیت و شرایط مردم ساکن در شهرهای نقاط مختلف جهان در مواجهه با بحران کرونا، چگونه است؟ بنظر می‌رسد، تاثیرات این بحران بر شرایط و کیفیت زیست مردم شهرها بطور کلی شباهت زیادی باهم داشته‌اند ولی بطور خاص، تفاوت‌های زیادی بین شرایط زندگی شهری در دنیا دیده می‌شود که بستگی زیادی به شرایط و سطح تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی شهرها داشته است. برای نمونه و طبق بررسی‌های اولیه نگارنده، شهرهایی که سطح کیفیت زندگی و خرسندی و شادی ساکنان در آنها بیشتر بوده است، در مقابله و شکست کووید ۱۹ موفقیت بیشتری داشته‌اند. مانند کشورهای حوزه اسکاندیناوی، نیوزیلند و استرالیا (دنف و همکاران، ۲۰۲۰).^۲

آثار اجتماعی-اقتصادی کووید ۱۹ بر شهرها:

امروزه شهرها از تحولات و تعاملات جهانی بشدت متاثر می‌شوند. این تاثیرپذیری به‌ویژه در رابطه با شیوع بیماری‌های ناشی از ویروس‌ها، بسیار چشمگیرتر شده است. تسری این اپیدمی‌ها مانند سارس، ابولا و اکنون کرونا، استقلال، اختیارات، عملکردها و شرایط اجتماعی-اقتصادی و حتی سیاسی شهرهای جهان را تهدید کرده است (اقتباس از: فنی، ۱۳۹۳).

بطور کلی، بیماری‌های مسری می‌توانند آثار ویژه‌ای بر توانایی‌ها، سطح تاب‌آوری، میزان استقلال و شدت جریان فعالیت‌ها در شهرهای درگیر، داشته باشند. بیماری کرونا که ظاهراً از یکی از شهرهای چین (ووهان) آغاز شد و به دلیل تبادلات و تعاملات اقتصادی-تجاری به سمت سایر شهرها در چین و کشورهای مرتبط با آن حرکت کرد، بسیاری از شهرها در قاره‌های آسیا، اروپا، آمریکای شمالی و اکنون جنوبی را با مخاطرات زیادی مواجه کرده است.

پراکندگی جهانی بیماری‌هایی مانند کرونا (کووید ۱۹) با

زمین برای دسترسی همگانی به مسکن، فعالیت، بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل عمومی و فضای عمومی، اوقات فراغت و زندگی راحت، تضمین دسترسی شهروندان کم درآمد به مسکن مناسب و ساماندهی اسکان غیررسمی، تضمین دسترسی به استفاده مشترک شهروندان از فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی در شهر. این مولفه‌ها همان چارچوبی را شکل می‌دهند که حق به شهر را به بیانیه جهانی حقوق بشر وارد کرده است. در اینجا به طور خلاصه و ویژه، دو حق اصلی زندگی شهری که ارتباط مستقیمی با موضوع دارند ولی در ایران مورد توجه نیستند، بررسی می‌شود:

۱. حق ساکنان به استفاده کامل از فضای شهری در زندگی روزمره: این حق به زندگی، بازی، کار در فضاهای شهری است. این حق مبتنی بر عدالت اجتماعی است و می‌توان آن را در قالب حق توزیع مجدد بیان کرد. البته نه برای همه انسان‌ها بلکه برای کسانی که از آن محروم شده‌اند و به آن نیاز دارند.

۲. تضمین دسترسی به استفاده مشترک شهروندان از فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی و اقتصادی در شهر (سوجا، ۲۰۱۰، فرندلی، ۲۰۱۳).^۱ تحقق این حق از طریق مشارکت و اجرای فرآیندهای مشترک بین جامعه مدنی، دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی امکان‌پذیر است. در این بین نقش گروه‌های جامعه مدنی و سازمان‌ها در تحقق این حق جمعی برای ساکنان شهر بسیار حیاتی است زیرا تجربه کشور به روشنی نشان داده که نبود این مشارکت‌ها و نقش‌ها، ایجاد کننده ساختارهای نامناسب، ناعادلانه و ناکافی در مکان‌های شهری است. به عبارت دیگر، بر پایه دیدگاه حق به شهر نمی‌توان به دنبال اصلاح شرایط شهرها بود، بلکه بازسازی اساسی و پایه‌ای روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شهر و فراتر از آن مدنظر است؛ این فرایند که ریشه در مدیریت شهری پایدار دارد، می‌تواند به تقویت بنیادهای مدنی در جامعه و افزایش تاب‌آوری ساکنان شهرها کمک نماید (فنی و همکار، ۲۰۱۹).

در این نوشتار، موضوع چالش‌های ناشی از مهمترین عامل یا بحرانی که می‌تواند سطح استقلال، اختیارات و حاکمیت شهرها را

2. De neve, et al. 2020

1. Soja, 2010, Friendly, 2013

تدابیر، اقدامات و برخورد با بحران برای تحقق حقوق زندگی شهری:

در سراسر جهان، همه مردم، پژوهشگران، دانشمندان و نهادها در حال مبارزه با کووید ۱۹ هستند (لینک چند نمونه از فعالیت‌ها آمده است). ما در دنیای به هم پیوسته‌ای زندگی می‌کنیم که جراحی یک فرد، در واقع ناراحتی برای همه است، اگر متوجه باشیم!! از این رو، با تاکید بر مبانی فکری دیدگاه «حق به شهر»، به همبستگی و انسجام اجتماعی بیشتری برای مقابله با پیامدهای مخرب اجتماعی-اقتصادی این ویروس نیازمندیم تا جامعه شهری سالمی برای همه مردم و نه اقلیتی محدود پدید آید.

دانشمندان و پژوهشگران حوزه ویروس‌شناسی، در کنار سایر گروه‌های درمانی-بهداشتی، امداد و نجات، مددکاری اجتماعی و روانشناسی و ... به تلاشی مستمر و رقابتی برای کاهش اثرات مخرب این ویروس و نیز دستیابی همه مردم آسیب‌پذیر به خدمات گوناگون مشغولند. تاکنون طرح‌ها و سیاست‌های ابتکاری خوبی از سوی نهادهای دولتی، جامعه مدنی، سازمان‌های مردمی، دانشگاهی و بخش خصوصی، برای حمایت از جمعیت در مقابل کووید ۱۹، تدوین، مصوب و اجرا شده است که از طرق مختلف به اثرات متعدد و پیچیده این بیماری همه‌گیر پاسخ می‌دهند. در ادامه برخی از این اقدامات که حاوی نکات کلیدی مبارزه با کووید ۱۹ و به‌ویژه در رابطه با تحقق و حفظ حقوق زندگی شهر هستند، مرور می‌شوند.

بخش مهمی از اینگونه اقدامات و تدابیر، توسط سازمان‌ها و نهادهای مدنی و شهری، بصورت رایزنی‌ها، برنامه‌ها و اقدامات گوناگونی مرتبط با حفظ سطحی از توانمندی و قدرت اجتماعی-اقتصادی مردم شهرها انجام شده است. یکی از این نهادهای مهم، «دپارتمان جهانی حق به شهر»^۲ است (دنف و همکار، ۲۰۲۰).^۴ دپارتمان جهانی حق برای شهر، جوامع دموکراتیک، متکثر با

سرعت انتشار بالا، وجود اتصال و ارتباط شبکه‌ای مستمر و قوی میان شمار زیادی از شهرهای جهان را نشان می‌دهد (ر.ک. به: فنی، ۱۳۹۳). این سرعت انتشار اپیدمی در سطح جهانی، می‌تواند دو دلیل اساسی داشته باشد: یکی اینکه دوره نهفتگی بسیاری از ویروس‌ها از جمله کووید ۱۹ از سفرهای هوایی فراقاره‌ای و حتی قاره‌ای بیشتر است که این موضوع بر بی علامت بودن آن در انتقال و رسیدن به مقاصد سفر، تاثیر گذارست. دوم اینکه به دلیل وجود شبکه شهرهای جهانی، راه‌های انتقال بیماری به شیوه‌های گوناگونی می‌تواند جمعیت شهرها را مبتلا و درگیر کند.

همچنین با توجه به تحلیل‌های پیشین اندیشمندانی چون اسمیت و تیلور در بخش‌هایی از آثار خود (اسمیت، ۲۰۰۱، تیلور، ۲۰۰۴)^۱ مبنی بر اینکه اغلب شهرهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، به دلایلی از جمله ساختار معیوب سیاسی-اقتصادی حاکم بر کشورهای این مناطق، با افت سطح تاب‌آوری و اختیارات مواجه‌اند، می‌توان چنین استنباط کرد که در شرایط بحرانی شیوع کرونا، این گروه از شهرها نسبت به دیگر شهرهای جهان، با پیامدهای اجتماعی-اقتصادی ناگوارتری روبرو هستند.

آثار اخلاقی-سیاسی کووید ۱۹ بر زندگی شهرها:

کرونا ویروس جدید، علاوه بر همه پیامدهای اجتماعی-اقتصادی، منطق حاکم بر سیاست و اخلاق جهانی را هم روشن‌تر کرده است؛ به این معنا که واقعیتی کاملاً مادی و دانشی با سیستم‌های اخلاقی و سیاسی وابستگی متقابل شدیدی دارد و البته باعث شده است، افراد علاوه بر تامین حقوق فردی، به دنبال حفظ سلامت بستگان و سایر ساکنان شهر باشند. مردم در محل کار، اتوبوس و مترو، مدرسه، فروشگاه مواد غذایی و سایر سیستم خدماتی مستقیم، قابل سرایت و آسیب‌پذیرند. همچنین انسان مدرنی که از لحاظ اخلاقی، فردگراست و می‌خواهد مراقب خودش باشد، از یک طرف به دنبال جمع‌آوری مواد غذایی و سایر کالاهای حیاتی و انباشت آنها در منزل بوده تا ارتباط خود را با بیرون قطع کند و این بر فردگرایی و جدایی‌گزینی او افزوده است و از سوی دیگر، اگر مراقب دیگر ساکنان شهر نباشد، نمی‌تواند در فضای شهری، به راحتی قدم بزند، تنفس و امرامعاش کند.

2. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0048969720323287>
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0048969720325122>
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2666683920300092#fig0003>
<https://dl.acm.org/doi/pdf/10.1145/3404111.3404115>
<https://pediatrics.aappublications.org/content/145/6/e20200702>
 3. The Global Platform for the Right to the City (GPR2C)
 4. De Neve, J-E. & Kerkel, Ch. 2020. in: <https://www.right2city.org/news/first-gpr2c-assembly-right-to-the-city-facing-covid-19/>

1. Smith, 2001; Taylor, 2004

از کارگران روزمزد و اغلب غیررسمی و کودکان کار را شامل می‌شوند.

اهمیت توجه و مراقبت های فوری و ضرورت های بعد از آن: مسلم است که بحران فعلی بر همه حوزه‌های زندگی فردی و جمعی کشورهای درگیر از جمله ایران، تاثیرگذار بوده و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و جدایی‌گزینی‌های مکانی (فضایی) اجتماعات محلی که قبلا وجود داشته را آشکارتر و بزرگتر کرده است (موسوی لارگانی، ۱۳۹۸). موسوی در گزارش خود می‌افزاید: چهل درصد خانوارهای ایرانی زیرخط فقر و سی و سه درصد در فقر مطلق زندگی می‌کنند که البته این شرایط در اغلب کشورهای درحال توسعه جهان تجربه می‌شود و ریشه در سیاست‌های نئولیبرالی، تعدیل ساختاری، خصوصی‌سازی، کاهش ظرفیت عملکردی دولت و حوزه عمومی دارد. از طرف دیگر، می‌توان براساس اولویت‌بندی و شدت نیازهای گروه‌های اجتماعی، اقدامات سیاستی-اجرایی را به سه دوره زمانی: کوتاه‌مدت (اقدامات فوری)، میان‌مدت و بلندمدت (برنامه‌های تامین عدالت اجتماعی-اقتصادی پایدار) تقسیم کرد. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که اجرای این برنامه‌ها، نتایج و تغییرات عمیقی پدید آورند و به رفع نواقص و ضعف‌ها کمک کنند:

- تقویت رویکرد و برنامه‌های همبستگی محور برای مراقبت‌های بهداشتی، غذا، درآمد، خانواده‌ها و محلات آسیب‌پذیرتر؛
- همکاری نزدیک و موثر مدیریت محلی و شهری با سازمان‌های مردمی برای پاسخگویی به فوری‌ترین نیازها در سطح محله‌های محروم شهر.
- ارزیابی عملکرد اجتماعی همه خدمات و مشاغل شهر، به عنوان مثال، بررسی استفاده از هتل‌ها، مهمانسراها، مسکن خالی و سایر امکانات رهاشده برای افراد بی‌خانمان یا معتادان و....
- ترویج و تقویت دیدگاه‌ها، کارکردهای ملی و اجتماعی مهم و اساسی برای تحقق حق شهر که سبب واکنش‌های اضطراری و تحولات عمیق بلندمدت می‌شود، کمک زیادی می‌کند.
- مواجهه با بحران کرونا، نیازمند هماهنگی و همکاری بیشتر:** در شرایط بحرانی کرونا و پساکرونا که مردم آسیب‌پذیرتر شهری در کشور، با انواع کمبودها و ازدست دادن درآمد اندک خود مواجه شده‌اند، بقای زندگی شهری، نیازمند ظرفیت‌سازی نهادی

همبستگی، انسجام و پایداری را به عنوان سکونتگاه‌های مشترکی محسوب می‌کند که در آن همه ساکنان از حقوق اساسی بشر برای زندگی با صلح، امنیت، سلامتی و عزت برخوردار می‌شوند. درحالی که در جریان بحران کرونا مشاهده و مخابره شد که نه تنها در کشورهای درحال توسعه، بلکه در کشورهای پیشرفته جهان نیز نابسامانی‌های زیادی در توزیع عادلانه امکانات و تجهیزات بهداشتی-درمانی پدید آمد.

اکنون و در عصر شیوع کرونا، این دپارتمان بین‌المللی نیز به تلاش‌های جهانی و جمعی برای مبارزه با کووید ۱۹ پیوسته است و اعضای فعال آن، نسبت به شرایط گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر این اپیدمی، به ویژه افراد بی‌خانمان، سالمندان، زاغه نشین‌ها، زباله‌گردها، افرادی که در معرض اخراج، جابه‌جایی و فروپاشی خانه و خانواده خود قرار دارند، کارگران غیررسمی و زنان سرپرست خانوار، احساس تعهد و مسئولیت می‌کنند (دنف و همکار، ۲۰۲۰)^۱. همزمان، در اغلب شهرهای جهان، از نیروهای کادر درمان، متخصصان بهداشت و پاکسازی، پاکبانان، مراقبان و دانشمندان و کارکنان تولید محصولات بهداشتی-درمانی و سایر خدمات اساسی در زمان بحران کرونا تشکر و قدردانی می‌کنند.

از دیگر حرکت‌ها و تلاش‌هایی که مدیریت شهری و نهادهای مردمی در شهرها، مانند این نهاد جهانی، برای پیشبرد حقوق زندگی شهری انجام می‌دهند، عبارتند از:

- بازیابی و تقویت خدمات عمومی برای کل جامعه
- حرکت به سمت یک جامعه مراقب، شناختن نقش مراقبت ویژه از زنان محروم، سالمندان و سایر گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر
- طراحی و کاربرد سازوکارهای دموکراتیک برای توزیع مجدد ثروت و بهبود اقتصاد جامعه.

همچنین از دیگر سازوکارها و برنامه‌های مردم‌مداری که می‌توانند تاثیرات مثبتی بر ارتقای سطح تاب‌آوری گروه‌های آسیب‌پذیر شهری داشته باشند، طیف وسیعی از مداخله‌ها، تسهیلگری‌ها و پیشنهادات اجرایی درباره حق مسکن مناسب برای افراد بی‌خانمان و مستاجران، کاهش خشونت علیه زنان، اهمیت برابری جنسیتی و تقویت جامعه مبتنی بر گسترش مراقبت، حمایت

درآمد هستند. همه این ضرورت‌های مدنی در ساختار مدیریت پایدار شهری قابل تحقق هستند (رضویان و همکاران، ۲۰۱۹). تحکیم و تقویت سازوکارهای قانونی در تحقق مدیریت شهری دموکراتیک و مشارکتی، برای پاسخگویی سریع به مشکلات ناشی از بحران و اجرای راه‌حل‌های میان و بلندمدت ضروری است. مدیران شهری باید خود را به جای مردم شهر فرض کنند و بهترین واکنش و تغییرات مهم و موثر را انجام دهند. باید بررسی کنند که با همه اختیارات و توانایی‌هایی که دارند، چه اقدامات مشترک موثر و مشارکتی با مردم و برای مردم می‌توانند انجام دهند تا جامعه شهری را به سمت رعایت و گسترش اخلاق مراقبت و حمایت از هم‌نوع سوق دهند. از جمله فعالیت‌هایی که این سیستم مدیریت شهری در همه کشورها می‌تواند راه اندازی و پیگیری کند عبارتند از:

- ایجاد و تقویت کمپین هم‌افزایی همبستگی و وفاق محلی
- تصویب و اجرای کامل قوانین و ضوابط مرتبط با رعایت حقوق زندگی شهری برای همه مردم ساکن
- تمرکز بر وکالت مردم شهر در اجرای دقیق و موثر سیاست‌های توسعه‌ای میان و بلندمدت مبتنی بر حقوق همه مردم
- تمرکز و تاکید بر عدالت دیجیتال، دسترسی همه‌گروه‌ها و اجتماعات محلی به اینترنت و راه‌های کسب آگاهی و دانش بیشتر و در نتیجه، تقویت مجازی فضای عمومی شهری که نقش مهمی در کاهش پیامدهای منفی بحران دارند.
- تسریع در پاسخگویی فوری و منسجم مشارکتی برای رفع نیازهای اساسی گروه‌های آسیب‌پذیر شهر

نتیجه‌گیری

اگر بخواهیم واقع‌بینانه چاره‌اندیشی کنیم، ابتدا لازم است واقع‌بین باشیم. بسیار خوشبینانه، بیشتر از پنجاه درصد مردم کشور، پس‌انداز قابل توجهی ندارند و در پرداخت چک و یا سکونت در آپارتمان‌های کوچک خود با ذخیره اندک مواد غذایی مشکل دارند. از این رو، شهرهای ما با انبوهی از جمعیت آسیب‌پذیری مواجه‌اند که مجبورند برای یافتن کار و یا تداوم آن، هر روز با عجله خارج شوند و در متروها، معابر، پمپ بنزین‌ها و ... بی‌توجه نسبت به شیوع اپیدمی کرونا، به‌بقای خود و خانواده فکر کنند. زیرا چاره‌ای جز آن ندارند.

و همکاری‌های فوری افقی و دموکراتیک بین بازیگران و نهادها (دولت، اجتماعات محلی و بخش خصوصی) در مقیاس‌های مختلف (محله، شهر، استان و کشور) برای مقابله با این بیماری همه‌گیر و پیامدهای بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی آن هستند. ایران در این رابطه، به استثنای سازمان بهداشت جهانی، متأسفانه تاکنون شاهد حضور فعال سایر آژانس‌های سازمان ملل نبوده است. بنابراین حضور فعال همه نهادهای ملی، منطقه‌ای و محلی (شهری)، در انسجام بخشی به واکنش‌های اضطراری و برای تحولات میان‌مدت و بلندمدت با تاکید بر رعایت حقوق ساکنان محروم و آسیب‌پذیرتر شهرها در کانون استراتژی مقابله با کرونا، یعنی امکان دسترسی آنها به آب سالم، بهداشت محیط، مسکن، غذا، آموزش و کار(دورکاری مبتنی بر اینترنت) یا پرداخت حق بیکاری، ضرورت دارد.

مدیریت شهری پایدار با محوریت کاهش نابرابری‌ها:

پژوهش‌های زیادی در باره اهمیت نقش مدیریت شهری در فقرزدایی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی انجام شده (کاظمیان و میرعبادینی، ۱۳۹۰؛ میرمسعودی و منصور ارمکی، ۱۳۹۷) و از خروجی‌های اغلب آنها این است که تنها مدیریت پایدار و یکپارچه شهری می‌تواند کارساز و موثر باشد. وضعیت جسمانی و الگوی زیستی و رفتاری ساکنان مناطق شهری در کشورها، به‌ویژه میان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته، بسیار متفاوت و نمایانگر ساختار مدیریتی و اجرایی آنهاست و از این رو برای تاب‌آوری در برابر بحران، وجود ساختار پایدار مدیریت شهری و برنامه‌ریزی‌های دقیق محلی و شهری ضروری هستند (فنی و همکار، ۲۰۱۹). این موضوع زمانی برجسته‌تر می‌شود که بحرانی مانند بحران کرونا در جامعه بروز کند و وجود انواع نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی را در سراسر جهان، به‌ویژه کشورهای درگیر با شیوع بیشتر را برجسته‌تر سازد؛ چرا که طی این پنج ماه از همه‌گیری این بیماری، اثرات بسیار مستقیمی بر تشدید وخامت شرایط اقتصادی-اجتماعی مردم آسیب‌پذیر شهرها داشته است؛ از کارگران روزمزد و غیررسمی گرفته تا زنان سرپرست خانوار، کودکان کار و حتی پرستارانی که با دستمزد اندکی بایستی ساعات کاری بیشتری را در جبهه مقدم مبارزه با این بیماری سپری کنند، همگی نیازمند از میان برداشتن نابرابری‌ها و دسترسی منصفانه به امکانات، خدمات و توزیع عادلانه

اسلامی ایران در مورد «خط فقر در ایران»، خبرگزاری خانه ملت. www.dw.com/2020/06/15

Buckingham, S. (2010). Examining the Right to the City from a Gender Perspective. *Cities for All*, 57.

De Neve, J-E. & Kerkel, Ch. (2020). *Cities and Happiness: A Global ranking and Analysis*, World Happiness Report 2020. Retrieved from: <https://worldhappiness.report/ed/2020/cities-and-happiness-a-global-ranking-and-analysis>.

Fanni, Z. (2020). *Civil Society, Social Authority and Consciousness: The subject for urban regeneration*, Tehran: Shahid Beheshti University, *Sustainable Earth Review*, 1(1). 46-50.

Fanni, Z. & Golchini S. (2019). The socio-political structure of Iranian Islamic Cities and Role of Capacity Building in Achieving Good Governance with an emphasis on the production of Social Capital: A critical view, *Global Journal of Human-Social science(F): Political Science*: 19(4). 55-68.

Friendly, A. (2013). The right to the city: theory and practice in Brazil. *Planning Theory & Practice*, 14(2), 158-179.

Harvey, D. (2008). The right to the city. *The City Reader*, 6, 23-40.

Lefebvre, H., (1967). *The Right to the City*. In *Writings on Cities*, ed. Eleonore Kofman and Elizabeth Lebas, London: Blackwell.

Lipman, P. (2013). *The new political economy of urban education: Neoliberalism, race, and the right to the city*. Taylor & Francis.

Purcell, M. (2002). Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant. *GeoJournal*, 58(2-3), 99-108. Retrieved from: <https://www.right2city.org/news/first-gpr2c-assembly-right-to-the-city-facing-covid-19>

Marcuse, P. (2012). Whose right (s) to what city? *Cities for people, not for profit: Critical urban theory and the right to the city*, 24.

Razavian, M.T.; Fanni, Z.; Tavakolinia, J.; Mohammadi, A. & Pishgar, E. (2019). Mapping and the Spatial Analysis of Disability in the Khuzestan Province, Iran; *Indonesian Journal of Disability Studies (IJDS)*. 6(1). 102-112.

Smith, N., (2001). *New Globalism, New Urbanism: Gentrification as Global Urban Strategy*, Blackwell Pub. *Antipod*, pp.: 427-450.

Soja, E. W. (2010). *Seeking spatial justice*. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Taylor, J. P. (2004). *World City Network: A global urban Analysis*, London & New York, Rutledge.

Teelucksingh, C., & Masuda, J. R. (2014). Urban environmental justice through the camera: understanding the politics of space and the right to the city. *Local Environment*, 19(3), 300-317.

«دستان خود را بشوید»، توصیه خوبی است اما باید آگاه بود که این بحران مشکلی نیست که با مسئولیت پذیری فردی به تنهایی، حل شود. طی مسیری منصفانه و عادلانه که بتواند شرایط و وضعیت نابرابر اجتماعی-اقتصادی مردم را ترمیم و تعدیل کند، خیلی دشوار نیست. همگی می دانیم که توقف فعالیت ها و تعطیلی شغل ها، نیازمند حمایت گسترده از بیکاران، اعلام مهلت قانونی برای اجاره، پرداخت چک ها، درمان رایگان بیماران کرونایی و از این قبیل است که برای مدیریت محلی و شهری واقعا دشوار نیست. بخش قدرتمند و توانمند اقتصادی جامعه شهری، نیازی به اینگونه حمایت ها ندارند و می توانند تا رفع بحران کرونا صبر کنند؛ چرا که مشکلات مردم آسیب پذیر را مشکل خود می بینند!!!.

بنابراین، به نظر می رسد با تاکید بر اهمیت حقوق زندگی شهری، تنها راه حل اساسی مواجهه با این بیماری و بحران ناشی از آن، تقویت همبستگی و انسجام محلی-ملی است. راهی که به سلامتی اکثریت و نه سود اقتصادی اقلیتی از افراد جامعه می انجامد. همه گیری این بیماری سبب تقویت همبستگی به معنای واقعی کلمه شده و بی توجهی بدان، در واقع آسیب رساندن به همه است. برای افزایش آگاهی و عضویت در شبکه ی قوی همبستگی محلی-ملی، نیازمند مبارزه ای سیاسی-مدیریتی بر سر ارزش زندگی است. خواه ما هستیم تا سود کسب کنیم یا به زندگی یکدیگر کمک کنیم.

منابع

استراس. آسلم و کوربین. جولیت (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۳). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.

کاظمیان. غلامرضا و میرعابدینی، سیده زهره، (۱۳۹۰). آسیب شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست گذاری و تصمیم گیری شهری، تهران: نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۴۶، ۲۷-۳۸.

فنی. زهره، (۱۳۹۳). مطالعات و جغرافیای شهری معاصر (مفاهیم و دیدگاه های بنیادی)، ص. ۹۶-۹۸، تهران: انتشارات سمت.

فنی. ز. و باقری. ا. (۱۳۹۴). شهرهای کوچک و میانی (برنامه ریزی و توسعه)، ص. ۱-۱۲، تهران: انتشارات شهرداری ها و دهیاری های کشور.

میرمسعودی. پویا و منصوری ارمکی. رضا (۱۳۹۷). بررسی راهکارهای تحقق مدیریت یکپارچه شهری در تهران، مطالعات مدیریت شهری، ۱۰(۳۴)، تابستان. ۴۵-۷۰.

موسوی لارگانی. ناصر، (۱۳۹۸). گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای